چرا با آمریکا سازش نمی‌کنیم؟

حجت‌الاسلام امیرعلی حسنلو، استاد و پژوهشگر حوزه علمیه قم

مبارزه دامنه‌دار ملت ایران با نظام سلطه غرب به رهبری آمریکا، درواقع عکس‌العملی است نسبت به دشمنی‌هایی که این کشورها با ملت ایران داشته و ظلم و جنایت‌هایی که در حق آن روا داشته‌اند. برای همین به نظر می‌رسد، اگر علت دشمنی آمریکایی‌ها با ملت ایران مشخص شود، لزوم مبارزه با آن نیز خود به خود روشن می‌شود. در همین راستا یادآور می‌شویم که انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر اسلام با ارائه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی از یک‌سو، معادلات سیاسی استکبار را در ادامه سیاست سلطه و تقسیم استعماری جهان به هم زد و با ساختار فرهنگی دینی خود فرهنگ استعماری غرب را زیر سؤال برد و از سوی دیگر، روند انقلاب اسلامی با آگاهی‌های عمیقی که میان ملت‌های مسلمان جهان به‌ویژه در کشورهای اسلامی به وجود آورد، زمینه تحولات سیاسی ریشه‌دار و بینش‌ها و گرایش‌های سیاسی چشم‌گیری را فراهم آورد؛ به‌همین جهت نظام استکباری غرب به نابودی انقلاب اسلامی ایران همت گماشته است؛ چراکه انقلاب اسلامی تهدید بزرگی در برابر منافع کشورهای استعماری خصوصاً آمریکاست.

ریشه دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران

از این‌رو در بررسی مهمترین دلایل و عوامل دشمنی آمریکا با نظام جمهوری اسلامی و استمرار و دست برنداشتن از این دشمنی و عناد، می‌توان به این موارد به‌طور گذرا اشاره نمود:

۱. اسلامی‌بودن نظام جمهوری اسلامی

یکی از مهمترین عوامل دشمنی استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا با نظام جمهوری اسلامی، بلکه ریشه اصلی تمامی دشمنی‌ها، اسلامی‌بودن انقلاب و شکل‌گیری انقلاب بر پایه اسلام ناب است؛ نظامی که بر پایه فرهنگ غنی اسلام شکل گرفت، فرهنگ غرب و مبانی آن را به چالش کشیده و زیر سؤال برد. ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا می‌گوید: «جهان اسلام در قرن بیست و یکم، یکی از مهمترین میدان‌های زورآزمایی سیاست خارجی آمریکاست.»[۱] هانتینگتون، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی می‌گوید: «تقابل اصلی آینده جوامع بشری برخورد فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی است.»[۲]

مقام معظم رهبری در این‌باره فرمودند: «امروز دشمنی اردوگاه استکبار با ایران اسلامی به‌خاطر اسلام است. آن‌ها با اسلام دشمن هستند که بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد می‌کنند والله که آمریکا از ملت ایران از هیچ چیزشان به‌قدر مسلمان‌بودن و پایبند به اسلام ناب محمدی‌بودن ناراحت نیست. او می‌خواهد شما از این پایبندی دست بردارید.»[۳]

۲. زیر سؤال‌بردن نظام استکباری

موجودیت نظام جمهوری اسلامی و حرکت باصلابت و مقتدرانه آن، بنیان نظام استکباری را به خطر انداخته است و همین مسأله، از دلایل دشمنی استکبار جهانی و آمریکا با انقلاب اسلامی است. ریچارد مورفی، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا در گزارشی خطاب به نمایندگان کنگره آمریکا گفت: «اولویت‌های آمریکا مبتنی بر حفظ جریان آزاد نفت از خلیج فارس، مهارکردن نفوذ روسیه و جلوگیری از رادیکالیسم اسلامی است. پدیده انقلاب اسلامی ایران دیگر تنها یک مسأله استراتژیک متعارف نیست؛ مسأله امواجی است که این انقلاب پدید آورده و بنیادهای تمدن معاصر کاپیتالیستی و سوسیالیستی غرب را به لرزه انداخته است.»[۴]

۱. مقام معظم رهبری فرمودند: «موضع انقلاب اسلامی، موضع هجومی است؛ هجوم علیه سیستم ظالمانه و ستمگرانه‌ای که امروز بر دنیای سیاست در سراسر عالم و بر زندگی واقعی مردم حاکم است؛ یعنی هجوم بر نظام سلطه...؛ انقلاب اسلامی، فریاد و نهیبی است علیه چنین نظام‌های ظالمانه‌ای در دنیا. علت این هم که نظام اسلامی و انقلاب اسلامی در چشم‌ها و کام‌های ملت‌ها شیرین بوده و همچنان هست، همین است. این هم که می‌بینید، در دنیا سیاست‌های گوناگون با شیوه‌های مختلف مرتب روی جمهوری اسلامی فشار می‌آورند تا در قضایای گوناگون مثلاً در قضیه فلسطین موضع نگیرد، بعضی ساده‌لوح‌ها خیال می‌کنند که مشکل فقط این است که جمهوری اسلامی در فلان قضیه موضع تندی دارد؛ لذا می‌گویند: شما موضع تند نگیرید؛ درصورتی‌که مسأله این نیست؛ مسأله این است که مواضع اصولی جمهوری اسلامی، اصل سیاست‌های سلطه را در دنیا تهدید و ملت‌ها را امیدوار می‌کند.»[۵]

ذات استکباری آمریکا؛ دشمنی اصولی تا نابودی هویت اسلامی

به هر حال ریشه اصلی دشمنی و خصومت آمریکا با نظام جمهوری اسلامی را باید در ماهیت استکباری و ظالمانه این کشور و ماهیت اسلامی، حق‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه نظام جمهوری اسلامی جستجو نمود؛ چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «سی سال دولت آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید یک کاری بود که آمریکایی‌ها می‌توانستند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هرکار ممکن بوده، کرده‌اند... گاهی هم حرف‌های به‌ظاهر آشتی‌جویانه‌ای در این مدت زدند؛ امّا هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده‌اند؛ از تهدید دست برنداشته‌اند؛ نیت‌شان عوض نشده است. خنده تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه‌ها و کودکان را فریب می‌دهد. یک ملت بزرگ با این تجربه و مسئولین برگزیده یک چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده‌لوح باشند؛ یا باید ساده‌لوح باشند، یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند.»[۶]

بنابراین آگاهی نسبت به ذات استکباری رژیم ایالات متحده، این حقیقت را به ذهن متبادر می‌کند که آنان نفس وجود نظام اسلامی ایران را در تضاد با منافع خود قلمداد می‌کنند. در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «[می‌گویند] چرا جلب دشمنی آمریکا را می‌کنید؟ مثلاً فرض کنید حالا رئیس‌جمهور تعبیر تندی می‌کند، ناگهان آقایانِ به‌اصطلاح عقلا می‌گویند: این تعبیر تند بود؛ این، دشمنی آمریکایی‌ها را جلب می‌کند. نه آقا! دشمنی آمریکایی‌ها تابع این الفاظ و تعبیرات نیست. دشمنی، دشمنی اصولی است. این دشمنی در زمان‌های مختلف بوده. از اول انقلاب تا حالا دشمنی بوده....»[۷] و نیز ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «ما نمی‌خواهیم برای خودمان دردسر بی‌خودی درست کنیم؛ بعضی‌ها نگویند شما مدام آمریکا را وادار می‌کنید و تحریک می‌کنید؛ نه، آمریکا تحریک نمی‌خواهد؛ آمریکا دشمن است. آمریکا یک روز صاحب ایران بوده است، انقلاب آمده این [کشور] را از دستش بیرون آورده است؛ از پا نمی‌خواهد بنشیند تا وقتی‌که دوباره خودش را مسلّط بکند. آمریکا این است.»[۸]

سازش با دشمن؛ عاقلانه یا نابخردانه؟

همین دشمنی‌ها و رویکرد سلطه‌گرانه آمریکایی‌ها، علت عدم سازش ملّت بیدار ما با آنهاست؛ چراکه تا این خوی ستیزه‌جویانه و استکباری در رفتار سردمداران آمریکایی وجود دارد، تعامل و سازش با آنان معنا ندارد؛ همان‌گونه امام خمینی رحمه‌الله در این‌باره گوشزد نمودند: «به‌یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به‌گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند، مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند ... . آری اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است، جهان‌خواران او را به‌عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند، ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند، ما ضعیف، آنها ولی و قیم باشند، ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها، نه یک ایران با هویت ایران اسلامی.»[۹]

اساساً مشکل آمریکایی‌ها با جمهوری اسلامی چیست؟ آیا مشکل جمهوری اسلامی جز ایستادگی و مقابله با سلطه‌جویی‌ها و زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های غربی در محروم‌ساختن ملت ایران از حقوق خود است؟! جز دفاع از استقلال سیاسی و عزت و منافع ملی ایران است؟! دشمنان غربی با جمهوری اسلامی مشکل دارند؛ زیرا جمهوری اسلامی، تنها نظام مردمی است که می‌خواهد، بدون آقابالاسر و برده کشورهای غربی بودن، زندگی کند و به پیشرفت دست یابد. آمریکایی‌ها نمی‌خواهند جمهوری اسلامی ایران به الگویی موفق در منطقه و جهان تبدیل شود و کم‌کم دیگر ملت‌ها نیز هوس داشتن نظام سیاسی مستقل و عزتمند را در سر بپرورند و خواهان عدالت و برابری در صحنه بین‌المللی و جهانی شوند؛ از این‌رو با انواع جنگ‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی، تبلیغاتی و نظامی، به دنبال تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی هستند؛ البته مسأله دشمنان ما، تنها نظام جمهوری اسلامی نیست.، آنان با ایران بزرگ مشکل دارند. آنان نمی‌توانند وجود کشوری پهناور و ملتی مستقل و عزتمند را تحمل کنند.

چرا با دشمنانی چون آمریکا سازش نمی‌کنیم ؟

اولاً؛ باید بگوییم؛ سازش با دشمن بر دوگونه است

سازش عاقلانه و سازش نابخردانه. سازش عاقلانه، هنگامی است که از موضع اقتدار و بر اساس حکمت، تدبیر و دوراندیشی باشد و انسان را از گزند دشمن دور نگه دارد. سازشی که از موضع ضعف و بر اساس ترس و ذلت‌پذیری باشد، سازش نابخردانه است. سازش و کنارآمدن عاقلانه با دشمن، در جایی معنا و منطق پیدا می‌کند که اختلافات بر روی مسائل فرعی و جزئی باشد. اختلافات فرعی و جزئی، معمولاً با گفت‌وگو و مذاکره قابل حل است و طرفین باید از برخی از مواضع و امتیازات خود عقب‌نشینی کنند تا چالش و درگیری فرو بنشیند؛ امّا اگر دشمنی دشمنان به‌خاطر اصول و بنیان‌های هویتی یک ملت باشد و خواهان از بین‌بردن استقلال و آزادی ملتی باشند، سازش و کنارآمدن با دشمن به غیر از نابودی استقلال، آزادی، عزت، شرافت، هویت و دارایی‌های ملی نتیجه دیگری ندارد.

ثانیاً؛ باید ببینیم که دشمن ما کیست؟ هدفش از دشمنی با ما چیست؟

و آیا می‌توان با او از در سازش و آشتی وارد شد؟ به‌راستی مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی چیست؟ وقتی به تاریخ مسائل ایران و آمریکا می‌نگریم، متوجه می‌شویم که دشمنی آنان با ما، از یک‌سو به ماهیت استکباری و سلطه‌جویانه آنان و از دیگر سو، به ماهیت اسلامی، استقلال‌طلبانه و ظلم‌ستیزانه ملت ایران بر می‌گردد. آمریکا و دیگر ابرقدرت‌های غربی، به چیزی جز دست‌برداشتن ملت ایران از استقلال، آزادی، عزت، کرامت و ثروت‌های خود نمی‌اندیشند. تجربه برجام در دولت تدبیر و امید، به‌خوبی نشان داد که مسأله هسته‌ای برای آنها بهانه است. آنها به دنبال نابودی استقلال و آزادی ملت ایران هستند. امروز اکثر کشورهای جهان، اربابی و آقایی آمریکا و نوکری خود را پذیرفته‌اند. تنها چند کشور هستند که زیر بار نظم ظالمانه آمریکایی نمی‌روند. تمام دشمنی آمریکا و غرب با ایران، روسیه و چین، بر سر این واقعیت است که این چند کشور، زیر بار نظام سلطه جهانی نمی‌روند.

هزینه سازش؛ از تسلیم پهلوی تا گاو شیرده سعودی

سازش با دشمنی که حتی به دولت ملی‌گرا و لیبرال دکتر مصدق هم رحم نکرد و آن را با کودتا سرنگون کرد و برای رژیم وابسته پهلوی هم که تسلیم محض آنان بود، ارزشی قائل نبود، جز پذیرش حقارت و ذلت معنایی ندارد. مقام معظم رهبری در تبیین سلطه‌طلبی و استکبارورزی آمریکا می‌فرمایند: «رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود، هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شنود. به او می‌گویند: «گاو شیرده»! هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت به‌مراتب بیش‌تر است. هزینه مادّی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد.»[۱۰]

ممکن است برخی تصور کنند که سازش با دشمن، هزینه‌ای ندارد یا هزینه‌اش از مقاومت در برابر زیاده‌خواهی دشمن کم‌تر است؛ چیزی می‌دهیم و دشمن را راضی و ساکت می‌کنیم و دشمن هم دست از سر ما برمی‌دارد؛ اما این خیالی باطل است. وقتی شما برای فرار از درگیری با دشمن، به اولین خواسته او تن دهید، با همان منطق، باید به خواسته‌های بعدی او هم تن دهید. اگر برای دوری از تنش و رفع تحریم، برنامه هسته‌ای را تعطیل و تجهیزات هسته‌ای را به دشمن دادیم، با همان منطق باید برنامه موشکی را هم تعطیل کنیم، از دفاع از مظلومان منطقه هم دست برداریم، از ارزش‌ها و احکام اسلامی هم دست برداریم و این روند تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که ایران تجزیه شود و همه استقلال، آزادی و دارایی‌های خود را از دست بدهد.

درس تاریخ؛ مقاومت یا انحطاط؟

آمریکا در تاریخ روابط خود با دیگر کشورها، آشکارا نشان داده است که استقلال و آزادی هیچ کشوری را به رسمیت نمی‌شناسند. سازش با چنین دشمنی، هزینه‌های فراوانی دارد که ممکن است، سرنوشت یک ملت را برای همیشه تغییر دهد و آن ملت را از مسیر رشد و کمال به مسیر انحطاط و نابودی بکشاند. تجربه کشورهایی مانند لیبی، سوریه، عراق، افغانستان، مصر و ده‌ها کشوری که از مقاومت دست برداشتند، پیش چشم ماست. اگر از تاریخ درس نگیریم، درسی برای عبرت‌گرفتن آیندگان خواهیم شد.

• پی‌نوشت‌ها

۱. نیکسون، ریچارد، فرصت را از دست ندهید، ترجمه، حسین وفسی‌نژاد، تهران: ص ۲۵۶.
۲. نفوذ و استحاله، پیشین، ص ۴۷.
۳. روزنامه جمهوری اسلامی (۶۹/۲/۱۳)
۴. واعظی حسن، ایران و آمریکا، پیشین، ص ۳۱۴، فارین پالیسی به‌نقل از خطر توطئه، ص ۹۵.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات معظم‌له در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان طرح ولایت (۸۱/۵/۱۷).
۶. همان، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان در آستانه سیزده آبان(۱۳۸۸/۸/۱۲).
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد (۱۳۸۶/۱۰/۱۳).
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان شرقی (۱۳۹۴/۱۱/۲۸).
۹. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله (۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

چرا سفارت آمریکا در ۱۳ آبان تسخیر شد؟

حجت‌الاسلام بهزاد زاهدی‌اصل، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی

امروزه بسیاری تسخیر سفارت آمریکا را تصمیم عده‌ای قلیل از دانشجویان تصویر می‌کنند که هیچ پشتوانه مردمی نداشته است؛ اما در این نوشته، سعی شده ظرف زمانی تسخیر لانه به‌درستی تصویر شود و معلوم شود، چه جوّ اجتماعی و پشتوانه اجتماعی برای تسخیر سفارت وجود داشته است.

ابتدائاً باید گفت حمله به سفارت آمریکا چند مرتبه انجام شده است: قبل از پیروزی انقلاب چندباری در حد سنگ‌پرانی و صدمات جزیی اتفاق افتاده است و یک مرتبه نیز در روز ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ یعنی سه روز پس از پیروزی انقلاب، توسط گروه‌های چپ مارکسیستی تسخیر شده است که امام خمینی رحمه‌الله دستور دادند، سریعاً آنها را خارج کنند و امنیت سفارت را تأمین نمایند. در شور روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی، با وجود جوّ ضد استعماری که انقلاب داشت، قرار نبود روابط سیاسی ایران و هیچ کشوری تحت شعاع قرار بگیرد.

اما در مرتبه بعد، امام خمینی علاوه بر تأیید اصل تسخیر سفارت آمریکا، مدیریت مراحل بعدی حل غائله گروگان‌گیری را خود بر عهده می‌گیرند و تسخیر سفارت را انقلابی مهمتر از انقلاب اول معرفی می‌کنند. با بررسی سیر حوادث ۹ ماه ابتدایی انقلاب، سر عملکرد متفاوت امام خمینی کشف می‌شود. برای تبیین این مسأله چند نکته را بیان می‌کنیم:

• ۱. مردم ایران از آمریکا به‌عنوان بزرگترین حمایت‌کننده جنایات شاه، متنفر بوده و یکی از شعارهای اصلی مردم در انقلاب اسلامی، شعار «مرگ بر آمریکا» بوده است. این تنفر مردم ایران در خاطرات بسیاری از آمریکاییان که در آن ایام در ایران بوده اند، ابراز شده است. (برای مثال به خاطرات دو سفیر و کتاب ۴۴۴ روز مراجعه کنید). ریشه این تنفر نیز کودتای ۲۸ مرداد است؛ جایی که آمریکا با کودتایی نظامی، دولتی ملی و برآمده از اراده مردم را برکنار می‌کند و شاه فراری را به قدرت برمی‌گرداند.

• ۲. تجربه تاریخی مردم ایران از ۲۷ سال پیش خود، این چنین بود که در یک برهه مهم تاریخی، شاه قدرتش را از دست داد و از کشور متواری شد؛ اما آمریکا با کودتا دوباره آن شاه را به قدرت برگرداند و پس از آن، استبداد بسیار عمیق‌تری در کشور بروز و ظهور کرد. این اتفاق ممکن بود، دوباره نیز اتفاق افتاده و آمریکا با توطئه‌ای انقلاب را سرکوب و شاه را به قدرت برگرداند و دوباره مردم شاهد استبداد و جباریت بیشتری از جانب شاه باشند.

• ۳. در ماه‌های اول دولت آمریکا در ظاهر ژست به رسمیت‌شناختن انقلاب اسلامی را گرفته بود؛ اما به یک‌باره در روز ۳۰ مهر ۱۳۵۸ خبری منتشر شد که آمریکا شاه را به خاک خود پذیرفته است. پذیرش شاه توسط آمریکا احتمال توطئه آمریکایی را در ذهن مردم افزایش داد و یک باره راهپیمایی‌های گسترده در تهران و شهرهای مختلف بر ضدیت با آمریکا شکل گرفت. سه‌روز قبل از تسخیر لانه پس از اقامه نماز عید قربان، راهپیمایی یک میلیون نفری در تهران به سمت سفارت آمریکا شکل می‌گیرد و جوّ ضدیت با آمریکا در تمام کشور به وجود می‌آید.

• ۴. خاطرات دولت‌مردان وقت آمریکا مثل کارتر رئیس‌جمهور، برژینسکی مشاور امنیت ملی، ونس وزیر امور خارجه و همیلتون جردن رئیس ستاد کاخ سفید، به‌خوبی نشان می‌دهد، در دستگاه حاکمه آمریکا بر سر پذیرش شاه اختلاف وجود داشت. برخی پذیرش او را لازم می‌دانستند؛ به‌دلیل اینکه عدم پذیرش شاه نشان می‌داد، آمریکا از دیگر دست‌نشانده‌هایش در موقع خطر حمایت نمی‌کند و این، سبب دوری آنها از آمریکا می‌شد و عده‌ای نیز معتقد بودند، پذیرش شاه، سبب اعتراض شدید مردم ایران و ناامنی برای سفارت آمریکا می‌شود. کارتر پس از آنکه اعضای دولت موقت اعلام کردند، تمام سعی خود را برای امنیت سفارت انجام می‌دهند، مجوز ورود شاه به خاک آمریکا را صادر کرد؛ یعنی همه می‌دانستند با پذیرش شاه، اتفاقات مهمی رخ خواهد داد و ممکن است، مردم ایران عکس‌العمل سختی نسبت به آمریکا و منافع بی‌شمارش در ایران داشته باشند.

• ۵. در این بین دانشجویان ۴ دانشگاه تهران، تصمیم می‌گیرند، برای نشان‌دادن اعتراض خود به سیاست‌های آمریکا، سفارت آمریکا را برای ۴۸ تا ۷۲ ساعت تسخیر کنند و سپس آن را رها کرده و گروگان‌ها را آزاد کنند؛ اما با تسخیر سفارت در روز اول و دست‌یابی به اسنادی که دلالت بر جاسوسی و خرابکاری توسط سفارت می‌کرد، عملاً سفارت آمریکا به لانه جاسوسی تغییر نام داد و امام خمینی رحمه‌الله فرمودند: جوانان آنجا را رها نکنند. نکته جالب در این‌باره این است که تقریباً همه گروه‌های سیاسی، تسخیر سفارت را تأیید کرده و از آن استقبال کردند. برخی از این گروه‌ها، در سال‌های اخیر از نظر خود برگشته‌اند؛ ولی در آن زمان و با توجه به شرایط، آن را تأیید کرده‌اند.

• ۶. در سفارت اسنادی مثل ابزار شنود، ابزار جعل مُهرهای سازمانی و فرودگاهی و اسنادی که نشان می‌داد، آمریکا و سازمان سیا در حال توطئه برای آشوب، ترور، تجزیه‌طلبی و کودتاست، کشف شد. این اسناد به‌قدری گویا بود که جای هیچ شک و شبهه باقی نمی‌گذارد؛ درواقع در صورت تداوم کار سفارت آمریکا، انقلاب و کشور شاهد کودتای خونینی می‌شد و ممکن بود، همه زحمات مردم و رهبران انقلاب برای رهایی از استبداد شاه بر باد رود.

• ۷. شرط امام خمینی رحمه‌الله برای حل و فصل‌شدن غائله سفارت، تحویل شاه به ایران و بازگرداندن اموالی که از مردم ایران توسط شاه دزدیده شده بود و همچنین تعهد آمریکا به عدم مداخله در ایران بود. آمریکا هرگز حاضر نشد، شرایط ایران را بپذیرد و ایران نیز تسلیم توطئه آمریکایی نشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، تسخیر سفارت، یک خواسته ملی و خواسته همه مردم ایران بوده است و درواقع عکس‌العمل مردم ایران در مقابل عملیات‌ها و توطئه‌های آمریکا بوده است؛ همچنین مدیریت امام خمینی رحمه‌الله از آن حیث بود که توطئه‌های آمریکا در سفارت مشخص شده بود و تشخیص امام خمینی این بود که برای درامان ماندن انقلاب از توطئه‌های خارجی، استعمار آمریکایی باید برای همیشه از کشور خارج شود.